

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد / بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم / از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

برگردان و افزوده از: دیپلوم انجنیر نسرین معروفی
۲۵ مارچ ۲۰۱۷

اخراج شدگان متقاضی پناهندگی: بیگانه در کابل

دولت المان تعقیب نمی کند، که پناهندگان اخراج شده در افغانستان با چه سرنوشتی روبه رومی شوند. بسیاری از آنها به مشکل قادر می شوند تا خود را در جامعه پیوند دهند، برخی سبک بال می شوند که دوباره به خانه (وطن) خود هستند.

Ulrike Scheffervon



Foto: Omar Sobhani/Reuters - عودت کننده در میدان هوایی کابل

بازگشت به افغانستان. برای ۷۷ تن از مردانی که از ماه جنوری از المان با فشار اخراج و به افغانستان فرستاده شده اند، شروع زندگانی نو در میهن کهن شان مشکل است. بسیاری از اخراج شدگان متهم به خلاف کاری هستند، البته برخی هم در المان خوب ادغام شده بودند، کار و حلقه ای از دوستان شان را داشتند. از آنجائی که آنها ارتباط و تماس را با آشنایان خود در المان هنوز نگهداشته اند، اکنون اولین گزارشات آنها از تجاربی که در افغانستان نموده اند، در اینجا نفوذ کرده است. حامی یکی از اخراج شدگان، مطبوعات را متوجه می سازد که فرد تحت حمایت وی محتاج به ادویه است، لکن وی نمی تواند آن را در کابل به دست بیاورد، با وجودی که مقامات المان وی را از این ناحیه اطمینان داده بودند.

مجله تلویزیون "مونی تور" "Monitor" TV-Magazin در باره یکی از اخراج شدگان خبر داد که وی توسط انفجار بمب در کابل زخمی شده است. در این مقاله تذکر رفته است، وی در المان می توانست دوره کارآموزی را در رشته پرستار سالمندان شروع نماید. اکنون وی در افغانستان عملاً در جاده و پیوسته با ترس و هراس نسبت به امنیت خود زندگانی می کند.

"توماس دیمیزیر" وزیر داخله المان از حزب (CDU) در این میان تقریباً به مانند چرخ آسیاب که دور محور خود می چرخد یک سخن را تکرار می کند که متقاضیان پناهندگی رد شده همه خواستار هستند تا دوباره در افغانستان زندگانی نمایند. "در آنجا مناطق امنی وجود دارد که پناهجویان بعد از اخراج از المان می توانند در آن مناطق زندگانی کنند". دیمیزیر در این اواخر تقریباً موقف خود را چنین مدلل نمود: درست است که افراد ملکی قربانی هستند، مگر آنها هدف سوء قصد نیستند. در نامه مشترک وزارت داخله و خارجه به وزرای داخله ایالت های المان که در ماه فبروری نسبت به موقعیت امنیتی در افغانستان صدور و در آن تذکر رفته بود: "وقایعی که در افغانستان رخ می دهد اکثراً از نظر جای و از نظر زمانی انتخاب می شوند." علاوه بر آن به گفته مقام امور وزارت خارجه، جریان رسیدگی به امور پناهندگی در مورد هر فرد مشخص با دقت کنترل و بررسی می شود.

" حد اقل پیگیری بعدی "

افرادی که از کشور المان اخراج می شوند، اینکه با آنها در افغانستان چه می شود، دولت المان بدون شک پیگیری نمی کند. طوری که وزارت داخله المان (BMI) بیان نموده: افراد برگرداننده شده به افغانستان بعد از رسیدن به میدان هوایی کابل "جهت نظارت و سرپرستی به مقامات افغانستان تسلیم داده می شوند". این اقدام مطابق است با توافقنامه مشترک میان دولتهای افغانستان و المان در امور مهاجران. وزارت داخله المان به ادامه آن می نویسد، افغانستان حوزه نام نویسی پیشرفته در اختیار ندارد، "بدین ترتیب امکانات سازماندهی کردن پیگیری بعدی حد اقل است". اخراج شدگان بعد از رسیدن با ۲۰ یورو پول نقد مجهز می شوند، بعد از آن به طور کلی واگذار به خودش می کنند. لکن آنها می توانند به سازمان بین المللی برای مهاجرت (IOM) که در میدان هوایی کابل دفتر سرپرستی دارند، مراجعه کنند. "متحوف گرایدون" Matthew Graydon که برای ملل متحد کار می کند، گفت: ما می گذاریم تا مردها با خویشاوندان خود تلفون کنند و جهت انتقال آنها به مناطق زادگاه شان وسیله حمل و نقل را سازماندهی می کنیم. آنهایی که امکانات رفتن نزد اقارب شان را ندارند، می توانند عجلتاً در یک محل بودوباش پاهندگان دولتی اقامت نمایند.

راهنمایی ملل متحد به برگشت شدگان

کسی که در کابل می ماند، شانس دارد تا بعداً به وسیله کارکنان سازمان بین المللی برای مهاجرت به خاطر جستجوی کار و خانه رهنمائی کرده شود و درخواست حمایت اقتصادی بدهد. البته موانع زیاد است. (IOM) می تواند به کسانی که داوطلبانه به کشور شان برگشتند، بیشتر کمک نماید. بر مبنای فیصله اتحادیه اروپا، هریک از اعضای آن موظف اند وقتی پناهجویی را به افغانستان بر می گردانند، کمک پولی حتماً تهیه آبرتمان و یا تأمین مالی اولی جهت آغاز یک شغل شخصی به آنها بپردازند. به گفته "گرایدون" المان حدود ۲.۵۰۰ یورو در اختیار هر نفر قرار می دهد. کشور های دیگر اتحادیه اروپا پرداخت مالی بیشتر کرده اند.

اخراج شدگان پرابلم های دیگری نیز دارند: آنها در میان مردم افغانستان برخوردار از شهرت خوب نیستند. طوری که "سارا ایوگهی" Sarah Ayoughi معاون مدیر یکی از سازمانهای امداد (Ipsa) که وی در کابل یک مرکز روانی اجتماعی راسپرستی می کند، گفت: آنها در مجموع به حیث کار شناخته می شوند. در کنار تمام ناامیدی ها، ناراحتی فامیل ها را نیز نباید نادیده گرفت، زیرا بالاخره فامیل ها اکثراً تمام پول خود را به خاطر فرار یکی از اعضای فامیل فدا کرده اند و یا این که خود را حتماً مقروض نمودند.

همکاران "ایوگهی" در شفاخانه ای که توسط وزارت امور خارجه تأمین مالی می شود، پناهجویانی را که داوطلبانه برگشته اند و هم افرادی را که مجبور به بازگشت شده اند، معالجه می کنند. وی گفت: "بسیاری از آنها تجرید شده و به کلی منزوی هستند" عصبانیت و میل به تهاجم نتایج آن است. افغانهایی که داوطلبانه برگشتند، آنها قاعدتاً البته خوشحال هستند که دوباره به وطن خود هستند. " آنها از زندگانی در اروپا تصور دیگری داشتند و اغلب هنوز هم از حوادث، رویدادها و سرگذشت فرار خود ضربه روحی خورده هستند.

افزوده:

خوانندگان نهایت گرانقدر!

یک لحظه تصور کنید که فرزندان و جگر گوشه هائی من و شما در شرایطی قرار می داشتند که امروز به هزاران فرزند خلق افغان چه در داخل کشور جنگزده ما افغانستان و چه خارج از مرز های آن قرار دارند. آیا ما و شما به حیث مادران و پدرانی که به یقین یک لحظه هم حتماً تحمل تب کردن فرزند خود را نداریم، می توانیم خود را به جای مادران و پدرانی که در افغانستان به یاد فرزندان خود می سوزند و می سازند و جگرگوشه های شان آواره و دریدر و بی سرنوشت دور جهان می گردند، قرار بدهیم؟

خلق افغان در مجموع به خصوص جوانان قربانیان اصلی این همه جنایت در کشور ما هستند، زیرا به صورت عمده جوانان قربانی امپال فاشیستی و استعماری دولتهای تجاوزگر، تروریستهای انتحاری و جنگهای سرکوبگرانه عمال امپریالیسم می گردند. طوری که آشکار است، بی امنیت، جنایات، فقر، بیکاری، و ده ها مشکل دیگر روز تا روز ابعاد وسیعتری به خود گرفته که باعث فرار هرچه بیشتر جوانان افغان می گردد. آنها یا باید هدف دم توپ متجاوزان و حملات تروریستهای انتحاری قرار بگیرند و یا این که به هر وسیله ای که شده برای حفظ جان خود کشور را ترک کنند. لذا تا جایی که ما می دانیم جوانان افغان با صد ها لیل و نهار و شرایط ضد انسانی که خوابیدن در خیمه ها و زیر پل ها و پیاده رو ها با دربه دری و بی خوابی و گرسنگی، اهانت و توهین و بدرفتاری و بعضاً با انجام کار شاقه که فقط می توانند پول بخور و نمیر را به دست بیاورند، از طریق کشور های یونان و ترکیه و... خود را به یکی از کشور های اروپائی می رسانند. پدران و مادران در افغانستان با تمام معضلات و مشکلات و آسیب های اجتماعی و درد های جامعه همه دار و ندار خود را در اختیار فرزندان خود می گذارند تا لااقل یکی از فرزندان شان بتواند از کشور جنگزده خارج و از زیر بمباردمانهای طیارات جنگی جان به سلامت ببرد.

ناگفته نباید گذاشت دولتهای امپریالیستی در مجموع به خصوص دولت فاشیستی المان خوب می داند که علاوه به ضربات جانی و مالی و ضربات روحی که خود نسبت به خلق افغان وارد می نماید از آخرین ضربات امپال فاشیستی که اخراج جوانان افغان از المان است، دریغ نمی ورزد. دولت فاشیستی المان می خواهد تا با تاپه زدن جوانان افغان به اتهام تبهکار و تخریب کار آنها را هر چه زود تر از کشور المان اخراج و توسط طیاره در کشوری که نه تنها آینده نامعلوم در انتظار بسیاری از آنهاست، بلکه به کشتار گاه و شکنجه گاه خلقها که امپریالیسم به وجود آورده است،

بفرستد. آیا این اعمال آنها نسبت به جوانان افغان چه فرقی می‌تواند با اعمال آنها نسبت به یهودیها در زمان فاشیسم هیتلری داشته باشد؟ دولت فاشیستی المان در زمانش یهودیان پیر و جوان رامجبور ساخته بود تا می‌بایست کارت شناسائی که نشان دهنده یهودی بودن آنان بود با خود حمل می‌کردند. نازی‌ها به تعقیب و آزار یهودیان که در المان و دیگر مناطق تحت سلطه شان زندگانی می‌کردند، می‌پرداختند. فاشیستها تبلیغ می‌کردند که یهودیان مسبب بسیاری از مشکلات در المان هستند. چنانچه بسیاری از آنها قربانی ضرب و شستم، تحقیر و توهین می‌شدند.

مگر آیا امروز تبلیغ المانها نسبت به خارجیان و پناهندگان عین تبلیغ زمان فاشیسم هیتلری در المان نیست؟ المانها امروز پناهندگان و خارجیان را مقصر افزایش بیکاری و دیگر مشکلات در المان می‌دانند. اگر دیروز یهودیان را توسط واگن‌های مخصوص حمل حیوانات به قتلگاه اشویتس که خود آن را به وجود آورده بودند، انتقال می‌دادند تا در حمام‌های گاز جمعی خفه و در کوره‌ها سوزانده شوند که هیچ اثری از آنها باقی نماند. مگر امروز جوانان بی‌پناه افغان را با مهر اتهام به تخریبکاری شناسائی نموده و آنها را توسط طیاره در اشویتسی که در افغانستان به وجود آورده اند، انتقال می‌دهند. فاشیست‌ها قبل از این که یهودیان را در کوره‌های گاز نیست و نابود کنند، با کار شاقه و به وجود آوردن فضای رعب و وحشت که باعث شکنجه‌های روحی آنها می‌گردید، آنها را نیمه‌جان می‌ساختند.

امروز عین افکار فاشیسم هیتلری در المان در حال رشد است. موج جنبش‌های فاشیستی و راست افراطی هر روز باز تولید می‌شوند و از جانب دولت المان کمک و حمایت می‌شوند، تا از یک جانب بتوانند از آنها روی مقاصد و اهداف مشخص خود در دیگر کشورها استفاده نمایند، طوری که ما شاهد گسیل تعدادی از آنها در جنبش اوکراین بودیم و از جانب دیگر از طریق به راه انداختن تظاهرات و تجمعات علیه خارجیان، مسلمانان و پناهندگان و چه هم از طریق آتش زدن کمپ‌ها و خیمه‌ها و لاگرها، با ایجاد فضای ترس، آنها را وادار به فرار و ترک المان نمایند. این که تعدادی از افغانهای پناهجو با تحمل صد‌ها لیل و نهار قادر شدند تا خود را به کشور المان برسانند، طبق گزارش رسانه‌های خبری وقتی یک تعداد از آنها حاضر می‌شوند تا داوطلبانه این کشور را ترک بگویند، دلیل آن فقط همواره ترس و خوف از اعمال فاشیستها و تهدید به دیپورت به مثابه شکنجه‌دایی که آنها را عذاب می‌دهد، می‌باشد. در حالی که همیشه اینطور نبوده، آنهایی که تمام مصایب را تحمل می‌نمایند با فشار مجبور به اخراج می‌شوند.

طوری که اطلاع داریم، پس از بحران مهاجرت به اروپا و شدت گرفتن موج انتقادها از سیاست پناهندگی مرکل و آنها بیشتر از جانب فاشیستها و راستی‌های افراطی دولت المان (مرکل - دیمیزیر) همواره بر افزایش بازگشت داوطلبانه و اخراج اجباری تأکید می‌کند، در عوض این که علیه نیروهای فاشیستی مبارزه قاطعانه را اعلام بدارد، به انتقاد ظاهری آنها اکتفاء نموده؛ مگر در واقعیت امر از آنها و فشار وارده از جانب شان، به مثابه رویکش سیاست‌های ضد انسانی شان استفاده می‌نمایند.